

## تبیین ماهیت جهل و علل و پیامدهای آن بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

\_\_\_\_\_ صدیقه کاشفی<sup>۱</sup> - دکتر محمد عترت دوست<sup>۲</sup> - دکتر فتحیه فتاحی زاده<sup>۳</sup> \_\_\_\_\_

### چکیده

اهمیت پرهیز از جهل و نادانی به گونه‌ای است که در نصوص دینی بارها به مذمت آن پرداخته شده و راه‌های درمان و رفع آن تبیین شده است. از آن میان امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه به تبیین ماهیت جهل و آثار و پیامدهای زیان بار آن پرداخته و جامعه اسلامی را از این خطر بزرگ بر حذر داشته‌اند.

در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا، به بررسی موضوع «جهل» در خطبه قاصعه پرداخته، در نهایت الگوی جامع آن از منظر امام علی علیه السلام ترسیم شود. تبیین ماهیت جهل و ارتباط آن با کبر، علل ایجاد و پیامدهای زیان بار آن و در نهایت تبیین راهکارهای مقابله با جهالت، عناوین مقوله‌هایی هستند که در این پژوهش کدگذاری شده و به تفصیل بیان گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی علیه السلام، علل جهل، پیامدهای جهل، خطبه قاصعه، کبر.

شکوه

سال سی و نهم / ش ۱۴۸ / پاییز ۱۳۹۹

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها السلام (نویسنده مسئول)

Skashefi255@gmail.com

Dr.etratdost@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه شهید رجایی تهران.

f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۳. استاد دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء علیها السلام

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۴ (ص ۳۳ - ۵۶).

## مقدمه و بیان مسئله

جهل و نادانی در مقام نظر و عمل، بزرگ‌ترین مصیبت بشر است؛ چرا که همه بدبختی‌های بشر در دنیا و آخرت ریشه در جهالت انسان دارد. البته با آموزش می‌توان علم را به آدمی آموخت، ولی در یک مرتبه دیگر، نمی‌توان کاری کرد که شخص از عقل خویش استفاده کند. دو مشکل بزرگ آدمی که مرتبط با جهل است؛ یکی فقدان علم و آگاهی و دیگری عدم بهره‌گیری از عقل، یعنی همان تعقل و خردورزی است. این دو مشکل، خاستگاه همه بدبختی‌های آدمی است. انسان موجودی است که شخصیت انسانی او را، عقل و علم تشکیل می‌دهد و همین مسئله موجب شرافت انسان شده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده است. در آیات قرآن از جمله آیه‌های ۳۰ و ۳۱ سوره بقره، هنگامی که از شرافت و کرامت انسانی به عنوان خلیفه یاد می‌شود، به این نکته توجه داده شده که این سلطه انسان بر دیگر موجودات و لزوم اطاعت و تبعیت آن‌ها از انسان در گروه علم اوست که خداوند به وی بخشیده است و حتی فرشتگان مقرب نیز از آن علوم بی‌بهره‌اند. انسان با علم و بهره‌گیری از عقل و خردورزی است که می‌تواند به این شرافت و کرامت فعلیت بخشد و خلافت خود را تثبیت نماید، وگرنه بهره‌نگرفتن از عقل و علم به معنای باقی ماندن در نقص خواهد بود. چنین نقصی، بزرگ‌ترین فقری است که موجودی بدان دچار می‌شود، چنان‌که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ، لَا مَالٌ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۳۸۵: ۱/۳۰)؛ هیچ تهیدستی سخت‌تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. از امام علی علیه السلام نیز نقل شده که ایشان می‌فرماید: «لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۸۹)؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نخواهد بود.

به هر حال، همه کرامت و شرافت آدمی در علم و عقل اوست و در مقابل، همه ذلت‌ها و بدبختی‌های آدمی نیز برآیند جهل اوست که در آیات و روایات بردوری از آن تأکید شده است. از این رو در نوشتار حاضر تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به مثابه یک

روش تحقیق میان رشته‌ای و متن محور که می‌تواند پیام‌های آشکار و مضامین پنهان متن را کشف و دسته‌بندی کرده، در نهایت الگوی جامعی از محتوای متن ارائه دهد، به مطالعه عمیق و تخصصی خطبه قاصعه امام علی علیه السلام پرداخته، از رهگذر تجزیه و تحلیل مفاهیم این خطبه، به تصویر جامعی از مقوله جهل دست پیدا کنیم.

شایان ذکر است خطبه قاصعه، طولانی‌ترین خطبه منقول از امام علی علیه السلام است که به موضوعات متعددی، مانند پرهیز از اطاعت شیطان (بنگرید به: قطب راوندی، ۱۳۶۴: ۲/۲۲۷)، پرهیز از کبر و غرور (بنگرید به: ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱: ۱۳/۱۰۱)، دعوت به مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از آن (بنگرید به: هاشمی خوئی، ۱۳۶۴: ۱۱/۲۲۶)، ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر اولیای الهی و ابرار می‌پردازد که شروح مفصلی بر آن نگاشته شده است، اما توجه دقیق به محتوای این خطبه نشان می‌دهد، امام به مباحث دیگری نیز پرداخته است که یکی از آن‌ها تبیین مؤلفه جهل است. در این نوشتار، علاوه بر توجه به موضوع جهل، به ارتباط آن با موضوع کبر و شیطان که از موضوعات اصلی این خطبه هستند، پرداخته خواهد شد.

به همین منظور سؤالات اصلی این تحقیق آن است که امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه چه تبیینی از ماهیت جهل ارائه می‌نمایند؟ با توجه به تمرکز امام بر موضوع کبر و شیطان در خطبه، چه ارتباطی میان جهل و کبر یا شیطان وجود دارد؟ به چه دلیل جهل را عامل مهم گمراهی معرفی می‌کنند؟ نقطه مقابل جهل از دیدگاه امام چیست؟ چه پیامدهای زیان‌باری را برای افتادن در دام جهالت بیان کرده‌اند؟ و راهکار درمان آن چیست؟

### پیشینه تحقیق

اگرچه در خصوص جهل تحقیقات مختلفی انجام شده، بیشتر این تحقیقات به جنبه معناسناختی آن توجه داشته است؛ مانند پایان‌نامه معناسناسی واژه جهل در قرآن و مصادیق آن در نهج البلاغه که تطور معنایی جهل از پیش از اسلام تا بعد از اسلام را بررسی کرده است (بنگرید به: مبینی، ۱۳۹۸). در پایان‌نامه الگوی حلم-جهل در آموزه‌های نهج

البلاغه و نقد الگوی معناشناختی ایزوتسوبا آن، با بیان تقابل معنایی حلم و جهل به نقد نظرات معناشناختی او در این زمینه پرداخته است (بنگرید به: آسیابان سرنجی، ۱۳۹۶). همچنین در پایان نامه علم و جهل در نهج البلاغه، با نگاه کلی به نهج البلاغه تقابل آن را با علم بیان نموده است (بنگرید به: ضیائی بلخابی، ۱۳۸۴) و در کتاب واکاوی جهالت از منظر نهج البلاغه، نگاه کلی نهج البلاغه را در مورد این موضوع با استفاده از شروح نهج البلاغه بررسی کرده است (بنگرید به: یدالله پور، ۱۳۹۲). بر این اساس، وجه نوآوری و تمایز مقاله حاضر نسبت به دیگر پژوهش‌ها از این قرار است:

اولاً با استفاده از یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای و انتخاب طولانی‌ترین خطبه امام علی علیه السلام با نام خطبه قاصعه، متن و نص اصلی خطبه را مورد توجه ویژه قرار داده است. ثانیاً با نگاهی مسئله‌محور با تمرکز بر موضوع «جهل»، تلاش کرده ماهیت، ویژگی‌ها و پیامد جهالت را در قالب ساختاری نظام‌مند تبیین نماید. ثالثاً تلاش شده در پایان با ارائه نمودار، الگوی جامع و آسان‌یاب مؤلفه جهل از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه ترسیم شود. بی‌شک توجه به این الگویی تواند نقش اثرگذاری در پیمودن مسیر عبودیت و دستیابی به کمال را داشته باشد.

### ۱. تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

از آنجا که برای تحلیل نصوص دینی به روش‌های تحقیق متن‌محوری نیاز است که بتواند تمامی جوانب متن و فرامتن را سنجیده، لایه‌های عمیق مضمونی متن را شناسایی کند، در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای برای تبیین اندیشه‌های بیان شده در یک متن است. در این روش با بهره‌گیری از قواعد علمی منظم و تعمیم‌پذیر، نتایج دقیقی از تجزیه متن و مؤلفه‌های آن دریافت می‌شود. در حقیقت هدف این روش، گویاسازی و استخراج کامل مفاهیم و پیام‌های پنهان در متن است. «تحلیل محتوا در حقیقت، فن پژوهش عینی، اصولی و کمی و به منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر

بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از شناسایی اجزای یک متن (کلمات، جملات، بندها و مانند آن، برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) و تعیین جایگاه و رتبه آن‌ها در نظام مقوله‌ها» (باردن، ۱۹۹۶: ۲۹). در این روش از تکنیک‌های گوناگونی بهره‌برداری می‌شود که در رشته‌های مختلف علمی و متناسب با موضوع پژوهش، مورد استفاده قرار می‌گیرند (برای آگاهی بیشتر از نمونه کارهای انجام شده با این روش بنگرید به: عترت دوست، ۱۳۹۸: ۲۹۱-۳۲۰).

گفتنی است در این پژوهش، محور تحلیل، متن خطبه قاصعه است که بر اساس نسخه منہاج البراعه «حبیب الله خوئی» استخراج شده (هاشمی خوبی، ۱۳۶۴: ۱۱). در این جدول، عبارات خطبه بر اساس پیام اصلی هر جمله، تقطیع شده و مضامین اصلی و فرعی آن استخراج گردیده و در نهایت کدگذاری شده‌اند. این جدول به شکلی کدگذاری شده است که در تحلیل کیفی با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه می‌توان به سند و منبع و علت آن تحلیل دست یافت. در این جدول حرف «A» نماد سخنان امام علی علیه السلام؛ حرف «Q»، نماد آیات قرآن و حرف «P» نماد کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در این قسمت به علت حجم بالای جدول به اختصار تنها مواردی از آن که مؤلفه جهل و تقابل‌های آن را بیان می‌کند، ذکر می‌گردد و تنها تعداد محدودی از این کدها در این نوشتار در جدول موجود است و خوانندگان برای دستیابی به استناد سخنان می‌توانند با استفاده از کد به منبع اصلی مراجعه نمایند (بنگرید به: کاشفی، ۱۳۹۸).

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری
۱۷	فَأَطِئُوا مَا كَمَنْ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصْبِيَّةِ وَأَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ	پرهیز از عصبیت و جاهلیت	توصیه به زدودن تعصب و جهل از قلب‌ها	A۶۸

A۶۹	جهل و تعصب از بیماری های درونی		حَظَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَ نَحْوَاتِهِ، وَ نَزَعَاتِهِ وَ نَفَقَاتِهِ.	
A۷۰	اجتماعی بودن بیماری عصبیت		خاموش کنید آن آتش های عصبیت و کینه های جاهلیت را که در دل های تان مخفی است؛ زیرا آن عصبیت در شخص مسلمان از وسوسه های شیطان و نخوت ها و افسارها و دمیدن ها و تلقینات اوست.	
A۷۱	جهل، عامل ایجاد کینه			
A۷۲	عصبیت و جاهلیت خطری در کمین مسلمانان			
A۷۳	وسوسه های شیطان، عامل ایجاد عصبیت و جاهلیت			
A۸۴	مذمت غرور و تعصب جاهلانه	توصیه به عبرت آموزی از عواقب تکبر و جهل	قَالَ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَنَحْرِ الْجَاهِلِيَّةِ! فَإِنَّهُ مَلَاغِحُ الشَّنَانِ، وَ مَنَافِخُ الشَّيْطَانِ، الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ، وَ الْقُرُونَ الْخَالِيَةَ. حَتَّى أَعْتَقُوا فِي حَتَادِسِ جَهَالَتِهِ، وَ مَهَاوِي ضَلَالَتِهِ، ذُلًّا عَنِ سِيَاقِهِ، سُلسًا فِي قِيَادِهِ. أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ، وَ تَتَابَعَتِ الْقُرُونُ عَلَيْهِ، وَ كِبْرًا تَصَافَقَتِ الصُّدُورُ بِهِ.	۲۱
			بترسید از خدا، بترسید درباره کبر	

A ۸۵	حمیت، لازمه پیدایش کینه		<p>تعصب و افتخار جاهلیت! زیرا آن دو مولد عداوت است و عامل دمیدن‌های شیطانی که اقوام و امت‌های گذشته و قرون از بین رفته را به وسیله آن‌ها فریب داد تا اینکه آنان در تاریکی‌های جهالت و در سیه‌چال‌های گمراهی شیطانی شتافتند، در حالی که در رانده شدن به وسیله آن مطرود، مطیع و رام بودند. شیطان کاری را در پیش گرفته، که دل‌های مردم در تبعیت از آن مشابه یکدیگر گشتند و قرن‌ها پس از قرن‌ها از آن کار تبعیت نمودند و از تکبری پیروی کردند که سینه‌ها به سبب آن تنگ شدند.</p>
A ۸۶	حمیت، کبر و غرور، عامل نفوذپذیری شیطان در همه زمان‌ها		
A ۸۷	غرق شدن در تاریکی‌های جهل، پیامد غرور و تعصب		
A ۸۸	سقوط در دام ضلالت و بندگی شیطان از نتایج تعصب‌ورزی		
A ۸۹	کبر، باعث تنگی صدور		

A 189	تعصب و ورزی، نیازمند دلیل و هدف	تعصب، علت اصلی سقوط انسان	<p>وَلَقَدْ نَظَرْتُ فَمَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ يَتَعَصَّبُ لِشَيْءٍ مِّنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا عَنِّ عِلَّةٍ تَحْتَمِلُ تَمُوبَةَ الْجُهَلَاءِ، أَوْ حُجَّةَ تَلِيْطٍ بِعُقُولِ السُّفَهَاءِ غَيْرِكُمْ. فَإِنَّكُمْ تَتَعَصَّبُونَ لِأَمْرٍ مَا يُعْرَفُ لَهُ سَبَبٌ وَلَا عِلَّةٌ.</p> <p>من (در سرگذشت انسان‌ها) نگریستم و کسی را از عالمیان ندیدم که به چیزی تعصب بورزد مگر اینکه مستند به علتی باشد که می‌تواند نادان‌ها را به اشتباه بیندازد، یا مستند به یک دلیل (ظاهری) باشد که عقول مردم احمق را به بازی بگیرد، مگر شما؛ زیرا شما به امری تعصب می‌ورزید که برای آن هیچ سبب و علتی دیده نمی‌شود.</p>	
A 190	مشتبه‌سازی حقیقت بر جاهلان، علت تعصب و ورزی			۴۶
A 191	نفوذ در اندیشه سفیهان، علت تعصب و ورزی			
A 192	سرزنش به دلیل تعصب بدون هدف			
A 234	پیامد عدم اطاعت از رسول	سرزنش تفرقه افکنان	<p>أَلَا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ، وَتَلَّمْتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبِ عَلَيْكُمْ، بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ.</p>	۵۸

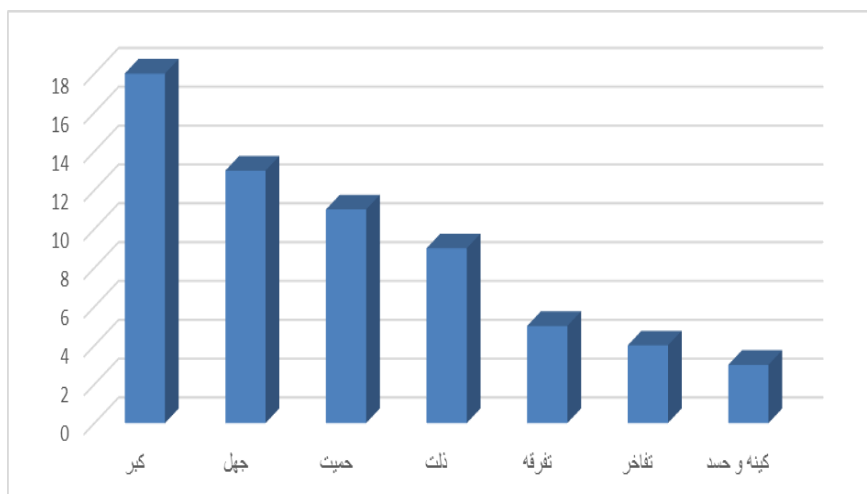


			آگاه باشید شما دست از ریسمان اطاعت خدا کشیدید و با احیای احکام جاهلیت، دژ محکم الهی را که گرداگرد شما بود، درهم شکستید.
A۲۳۵	احیای احکام جاهلیت، عامل خروج از حصن الهی		

شکل ۱: نمونه‌ای از جدول تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

جدول ارائه شده، تنها بخش کوچکی از جدول اصلی تحلیل خطبه قاصعه در نرم‌افزار اکسل است. در جدول اصلی، متن خطبه به ۸۵ جمله تقطیع شده و تعداد ۸۵ موضوع اصلی و ۴۰۵ موضوع فرعی از مضامین آن استخراج شده است. در این فرایند مضامین هریک از قطعات متن به دقت بررسی گردیده و در نهایت بیشترین و کمترین موضوعات اصلی شناسایی شده است.

در گام اول اجرای روش تحلیل محتوا، واژگان کلیدی استخراج شده مورد توجه قرار گرفت و پس از یکسان‌سازی و شمارش، این نتیجه به دست آمد که پربسامدترین واژه در این خطبه «تکبر» است. پس از تکبر، یکی از واژگانی که از نظر کمی به آن نزدیک بود، واژه «جهل» است که از بسامد قابل توجهی برخوردار بود. همچنین با توجه به جدول کمی، جهل از جمله مهم‌ترین راه‌های نفوذ شیطان و بروز کبر معرفی می‌گردد؛ به همین دلیل در بخش تحلیل کیفی تلاش گردیده است تا مقوله جهل با توجه به نتایج حاصل از بررسی تمامی موضوعات مطرح در خطبه، تبیین و ترسیم شود.



شکل ۱- نمودار فراوانی واژگان در خطبه قاصعه

## ۲. تحلیل محتوای مقوله «جهل» در خطبه قاصعه

جهل در لغت به معانی مختلفی آمده است: نقیض دانش و آگاهی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۲۹)، خلاف طمأنینه و آرامش (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲/۱۳۱)، بی‌اعتنایی (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۸۱)، خالی بودن نفس از علم و گفتن سخنی که به آن عمل نمی‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۹) و در اصطلاح به دو معنا آمده است:

جهل بسیط: یعنی خالی بودن نفس از علم و اتصاف آن به جهل. در ابتدای امر، این صفت مذموم نیست، بلکه ممدوح است؛ زیرا آدمی تا به جهل خود برنخورد و نداند که نمی‌داند، در صدد تحصیل علم بر نمی‌آید. باقی بودن برای این مقام و ماندن بر جهل و ثبات بر آن، از رذائل عظیمه است که دفع آن لازم و بقای آن از جمله مهلکات است. کسی که دارای این صفت باشد باید در برطرف کردن آن بکوشد.

جهل مرکب: عبارت است از اینکه کسی چیزی را نداند یا خلاف واقع را بداند و چنان فکر کند که حق را یافته است، پس او نمی‌داند که نمی‌داند و آن بدترین رذائل است و دفع آن در نهایت سختی است (نراقی، ۱۳۷۱: ۵۴).

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از

طریق کدگذاری های طبقه بندی شده، به صورت نظام مند است که برای بررسی لایه های عمیق تر از متن اتخاذ می شود و به نظریه پردازی می انجامد. از آنجا که هرگونه استنباط از موضوعات یک متن، منوط به گزارش های تحلیل کمی است، با توجه به نتایج حاصل از آن، مسیر ورود به سمت تحلیل کیفی فراهم می شود.

مجموع آنچه را امام علی علیه السلام در این خطبه درباره جهل بیان کرده اند، می شود در چهار طبقه کلی جای داد که در ادامه مقاله به تفصیل بیان شده اند. علاوه بر آن، با بررسی همه جانبه موضوع «جهل» در این خطبه، موارد گوناگون پیرامون آن به صورت نموداری دسته بندی شده در انتهای این مبحث قابل مشاهده است. پیش از شروع مبحث یادآور می شود که تمامی مطالب این مقاله مستند به کلمات حضرت علی علیه السلام و مضامین برداشت شده از محتوای خطبه قاصعه بوده که استنادات آن به صورت حروف انگلیسی کدگذاری شده آمده است.

## ۲-۱. تبیین ماهیت و چستی جهل

با توجه به عبارت «صَدَقَهُ بِهِ أُنْبَاءُ الْحَمِيَّةِ، وَإِخْوَانُ الْعَصَبِيَّةِ، وَفُؤَسَانُ الْكِبْرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ...» روشن است که یکی از مهم ترین راه های تصدیق شیطان و از دلایل ایجاد کبر، جهل است که عامل نفوذ شیطان و آلوده شدن به گناهان مختلفی، از جمله کبر، حسد، تفاخر و کینه معرفی شده است؛ چنان که اولین بار شیطان، بر اثر ناآگاهی از اصل عبودیت پروردگار، دچار کبر شد و از رحمت الهی دور گردید. این نشان دهنده عمل شیطان برخلاف علم و واقعیت است و با معنای لغوی آن که پیش از این بیان گردید، همسو می باشد و با تأمل در آن به خوبی ریشه کبر، یعنی دوری از علم و حقیقت روشن می گردد.

علاوه بر آن، جهل آدمی را به خود بزرگ بینی و تکبر دچار می کند و با توجه به عبارت «فُؤَسَانُ الْكِبْرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ» قدرت فراوانی دارد که راه نفوذ شیطان را گشوده، در نهایت او را به ورطه نابودی و هلاکت اندازد. مصداق آن را می توان عرب جاهلی و رفتارهای جاهلانۀ

آن‌ها دانست که همواره امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در آگاهی بخشی به آنان می‌کوشند و خطر بازگشت به سنت‌ها و رفتارهای عصر جاهلیت را گوشزد می‌نمایند.

جاهلیت، از جمله بیماری‌های برخاسته از درون آدمی است که از درون موجب نابودی فرد می‌شود و این‌گونه نیست که به راحتی مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه ذره ذره وجود فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها در کمین افراد است و اگر جلو آن گرفته نشود، فرد را به هلاکت می‌کشاند.

همچنین جهالت، مانند آتش است و هر چیز قابل اشتعال اطراف خود را می‌سوزاند و این‌گونه نیست که تنها به شخص آسیب برساند، بلکه بیماری اجتماعی نیز به شمار می‌آید و موجب سوزاندن و نابودی جامعه و اطرافیان نیز می‌شود [فَأَظْفِقُوا مَا كَمَنْ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ].

حضرت با آوردن عبارت «حَتَّىٰ أَعْتَقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَالَتِهِ، وَ مَهَاوِي ضَلَالَتِهِ» در واقع تبیین می‌کنند فردی که بر اثر جهالت، خود را از مسیر اصلی دور کرده است، در همان تاریکی و جهل، به راه خود ادامه می‌دهد؛ سرانجام به بیراهه رفته و چون در مقابل روشنایی و آگاهی، به علت غرور و تعصبش مقاومت می‌نماید، در مسیر، گودال‌ها و مغاک‌ها را نمی‌بیند و بر مشکل گمراهی وی افزوده می‌شود؛ مانند فردی که از چاله بیرون می‌آید و نمی‌تواند جهت شمال و جنوب و شرق و غرب را تشخیص دهد و به گمراهی خود ادامه می‌دهد. چنین فردی به علت دوری از علم و آگاهی، شیطان را پیشوای خود قرار داده، او را تصدیق می‌کند. گرچه مصداق بارز آن در عرب جاهلیت به وضوح دیده می‌شده است، اما هرگز از بین نرفته، بلکه با پیشرفت علم و دانش، شکل آن تغییر یافته است. جاهلیت چه در نوع قدیم و چه در شکل نوین آن از جنبه‌هایی با یکدیگر مشترک‌اند که برخی از این مشترکات عبارت‌اند از:

الف) تمام پیروان انواع جاهلیت به راستی به خداوند ایمان ندارند.

ب) پیروی از خواسته‌های نادرست خویش و خودباختگی در برابر امواج خروشان شهوت‌ها.

ج) وجود گردنکشانی که می‌کوشند، مردم را از پرستش خدای یگانه بازداشته، به زیر فرمان‌های سودجویانه خویش درآورند.

و هم اکنون که قرن‌ها از جاهلیت نخستین می‌گذرد، جاهلیت عصر جدید هنوز بر اساس همین اصول ذکر شده پابرجاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۳۰۵-۳۰۶) و تنها ظاهراً متفاوت گردیده است.

## ۲-۱-۱. تبیین جایگاه جهل در تقابل با علم

خداوند خواستار تعالی بشر است و اطاعت و خضوع را، با استفاده از بصیرت و نیروی عقل، خواهان است؛ هم‌چنان که اطاعت چندین ساله شیطان، به علت جهل نسبت به مقام الهی، نه تنها او را نجات نداد، بلکه باعث کبر، حبص اعمال، دور ماندن از رحمت الهی و اخراج از بهشت گردید؛ زیرا خداوند پاک و منزّه است از اینکه نداند کدام آفرینش درست و بجاست.

خداوند آدمی را از گل آفریده و اراده الهی بر این استوار بوده تا او با علم و آگاهی از قدرت خداوند و تلاش در مسیر بندگی، به دور از هر نوع تکبر و خودبزرگ بینی، اصل وجودی خود را، که خداوند در او دمیده است، به فعلیت برساند و این بندگی میسر نمی‌شود، مگر با ایمان؛ یک ایمان کاربردی که در آن علم و ایمان در کنار هم، فرد را به تعالی برساند و مایه پیوند و اتصال او به سرچشمه رحمت الهی شود.

در این خطبه، هم‌چنان که از جهل به عنوان عامل بسیاری از گناهان و مشکلات جوامع و عامل شکست، سخن به میان می‌آورد، در جای جای خطبه به شکل مستقیم و غیر مستقیم، به امر علم و آگاهی و دوری از جهل، در درجه اول به عنوان عامل رضا و خشنودی پروردگار و سپس به عنوان راهکار درمانی بازگشت از مسیر اشتباه و عامل پیروزی فرد و جامعه سفارش می‌کند و عقل را معیار شناخت و برتری تبیین می‌نماید.

توجه به امر عبرت‌آموزی از گذشتگان، خود دلیل بر اهمیت خردورزی و دوری از جهل در سرنوشت جوامع و افراد است و از این رو بارها در خطبه به تفکر و تدبیر در امور

گذشتگان توصیه شده است. این گونه نبوده است که افراد، فاقد نیروی عقل باشند و به دنبال آن دچار مشکلات شوند، بلکه از به کارگیری آن اجتناب کرده، راه خردورزی را بر خود می بستند. این نکته را می توان از عبارت «بِعُقُولِ السُّفَهَاءِ» به خوبی دریافت.

افزون بر این ها می توان دریافت که شناخت و آگاهی نقش بسیار مهمی در ایمان و شناخت خدا دارد (برای نمونه، بنگرید به: جاثیه / ۴؛ ذاریات / ۲۱؛ فصلت / ۵۳)، همچنان که حضرت علی علیه السلام فرمود: هر که خود را شناخت خدا را شناخته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۳/۲۰۸-۲۰۹)؛ زیرا که خداشناسی در پرتو خودشناسی میسر می گردد. پس لازم است آدمی ابتدا در پی شناخت خود باشد و به تمام نقاط ضعف و قوت خود اشراف داشته باشد.

یکی از راهکارهای فردی و اجتماعی که عامل پیروزی جوامع و دوری از شکست به شمار می رود، امر به معروف و نهی از منکر است. [فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرُونَ الْمَاضِيَةَ إِلَّا لِيَتْرِكَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ] امت اسلامی، هنگامی بهترین امت هاست که به این دو واجب شرعی عمل کند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران / ۱۱۰)؛ چنان که تلاش انبیاء در تزکیه و تهذیب نفوس انسان ها در پرتو امر به معروف و نهی از منکر حاصل می شود و بر این عمل به این دو فریضه، امنیت اجتماعی است. در نگاه معصومان علیهم السلام نیز امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین برنامه هایی است که خداوند انجامش را از پیامبران خواسته است و کسی که به انجام این برنامه الهی همت گمارد، در واقع همگام با انبیای الهی به اجرای رسالت عظیم آنان پرداخته و به موازات آن، امنیت را در جامعه تحقق بخشیده است.

امر به معروف و نهی از منکر در کنار هم الزامی هستند؛ زیرا اگر فردی را از امری نهی می کند، در مقابل، او را به امری تشویق می کند و این خود، آگاهی بخشی و علم آموزی است. آمدن امر به معروف، قبل از نهی از منکر، در واقع زمینه سازی برای رخدادهای معروف است؛ زیرا در صورتی که فرد معروف را نشناسد، نمی توان او را از منکر نهی کرد.

پیامبران، به عنوان مبلغان و راهنمایان دین، همواره در امر به معروف و نهی از منکر پیشگام بودند و چه بسا در مواردی، مردم به علت جهل و نادانی، سخن آن‌ها را نپذیرفته، درخواست معجزه می نمودند؛ درخواستی که حتی در مورد آن نیز تفکر نمی کردند و از روی سطحی نگری آن را مطرح می کردند که تعبیر «تَدْعُ لَنَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» گویای این مطلب است. خداوند با مسلح کردن پیامبران به سلاح معجزه، آن‌ها را در این مسیر یاری رسانید؛ زیرا معجزه، خود پادزهری برای جهل مردم بود و با معجزه یا دلیل و برهان، آنان علم می آموختند و پیامبران را تصدیق کرده، در مسیر حق قرار می گرفتند و گاه با معجزه هم دل‌هایشان نرم نمی شد و دریچه‌های نفوذ علم و آگاهی به روی آن‌ها گشوده نمی شد و سخنان پیامبران را نمی پذیرفتند. در این صورت، معجزه برای پیامبران آگاهی ایجاد می کرد و آنان دروغگویان و معاندان را می شناختند. بدین سان در هر دو شکل، معجزه، ایجاد علم می کرد. ساحران نیز با دروغگویی، حقیقت را از چشم افراد می پوشاندند و آنان چیز غیر واقعی را می پذیرفتند و همراه آنان در مسیر باطل قرار می گرفتند.

## ۲-۲. تبیین علت اصلی پیدایش جهل

از عبارت «فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ! فَإِنَّهُ مَلَأَ قُحُ الشَّيْطَانِ، وَ مَنَافِعُ الشَّيْطَانِ...» بر می آید که مهم‌ترین عامل جهالت، خودبرتربینی و کبر است. فرد متکبر، به دلیل کبر و غروری که دارد، سینه‌اش برای پذیرش نور و دریافت علم و آگاهی، تنگ می شود؛ زیرا خودبینی، بدترین حجابی است که انسان را از درک واضح‌ترین حقایق بازمی دارد و او را در «تاریکی‌های جهل» غرق می نماید؛ مانند ابلیس که حتی در برتری آتش بر خاک نیز دچار خطا شد؛ زیرا خاک منبع اصلی حیات گیاهان و انواع برکات است، در حالی که آتش، موجود خطرناکی است که تنها در بخشی از زندگی انسان، به کار می آید. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴/۴۹۴؛ هاشمی خوئی، ۱۳۶۴: ۱۱/۳۶۶). در نتیجه کبر، فرد را از قرار گرفتن در مسیر حق باز می دارد و شخص جاهل، توانایی رهبری انسان‌ها به سوی سعادت و کمال را ندارد.

فرد متکبر به پندار خود، خویشتن را از دیگران برتر می بیند، حال آنکه او هیچ فضیلتی بر دیگری ندارد. او با تفکرات باطل درونی، آن قدر خود را بزرگ می یابد که پذیرای حقیقت نیست و چه بسا دست به عملی می زند که نتیجه اش ندامت و داشتن کوله باری از گناهان خود و حتی افرادی است که از او تبعیت کرده و دست به خطایی همچون او زده اند، و این تداوم فرد بر تکبر، عاملی برای شریک شدن او در گناه دیگران تا روز قیامت می گردد.

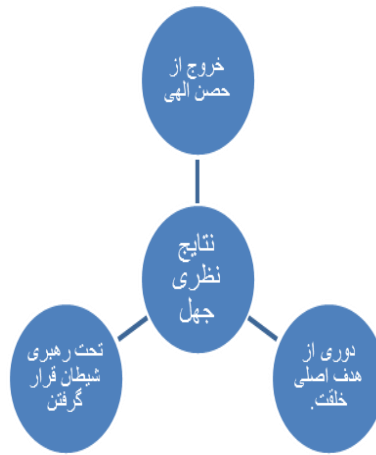
### ۲-۳. پیامدهای زیان بار جهل

حضرت در این خطبه به برخی از آثار شوم جهالت اشاره می نمایند:

### ۲-۳-۱. پیامد نظری جهالت

انسان بر اثر دوری از علم و آگاهی، از هدف اصلی خلقت دور و گمراه می شود. شیطان نیز از جهالت او استفاده کرده، برگمراهی او می افزاید. بدین سان انسان در مسیر مورد نظر شیطان گام برمی دارد و چون از خود، هیچ آگاهی ندارد، تمام او امر او را اجرا کرده، به عبارتی تحت رهبری شیطان قرار می گیرد. افراد زیادی از گذشتگان نیز به سبب جهالت، تحت رهبری شیطان قرار گرفتند و از حصن الهی خارج گشتند؛ که خود گویای این نکته است که اگر سخنی یا عادت، تنها از آباء و اجداد به انسان رسید، الزامی به تأیید آن نیست؛ چه بسا که گذشتگان، از روی جهل در مسیر شیطان بوده اند و باید از آن روش ها و عادات پرهیز کرد. [وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَبْتَلِي خَلْقَهُ بَعْضُ مَا يَجْهَلُونَ أَصْلَهُ].





شکل ۲- نمودار پیامد نظری جهل بر مبنای خطبه قاصعه

### ۲-۳-۲. پیامد عملی جهالت

از دیگر پیامدهای جهل، کینه است؛ زیرا فرد در اثر جهالت، از داوری درست نسبت به افراد دور شده، در نتیجه دچار کینه می‌شود و اگر مدت طولانی به این رویه ادامه دهد، دریچه‌های تعقل صحیح را به سوی خود می‌بندد. همچنین کینه عامل جنگ و نابودی جوامع است. [فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَنَحْوَاتِهِ، وَ نَزْعَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ].

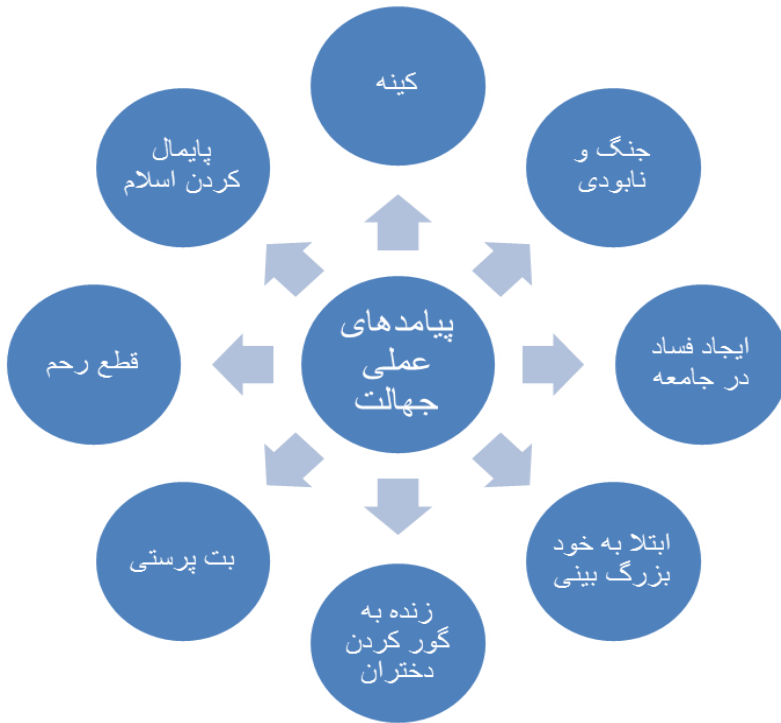
نکته‌ای که اینجا می‌توان برداشت نمود، رابطه دوسویه کبر و جهل است. همان‌گونه که کبر مانعی برای کسب آگاهی می‌شود و عامل پیدایش جهل است، جهالت نیز با کنار گذاشتن فکر و اندیشه موجب پدید آمدن خودبزرگ‌بینی و تکبر و به دنبال آن، ایجاد تعصب و پروبال دادن به آن می‌شود؛ تعصبی مذموم که باعث دین‌گریزی و در نتیجه ایجاد فساد در جامعه می‌گردد.

جهالت، فرد و جامعه را به اعمالی دور از فطرت بشر، همچون: زنده به گور کردن دختران، بت‌پرستی، قطع رحم، جنگ و غارت سوق می‌دهد. گویی بصیرت و درک درست از آن‌ها گرفته شده بود و تنها به اعمالی دست می‌زدند که به زعم خود، آن را

صحیح می‌پنداشتند؛ حال آنکه آن اعمال نتیجه‌ای جز نابودی و هلاکت به دنبال نداشت. [وَلَا تَكُونُوا... مَا أَلْحَقَتِ الْعَظْمَةُ بِنَفْسِهِ مِنْ عَدَاوَةِ الْحَسَدِ، وَقَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ مِنْ نَارِ الْغَضَبِ].

پایمال کردن اسلام، از دیگر پیامدهای جاهلیت است؛ زیرا افرادی که مطیع محض احکام الهی نیستند یا بخشی را انجام می‌دهند و بخشی را کنار می‌گذارند، با این کار گویی چهارچوب اسلام را واژگون کرده، دنبال اسلام سلیقه‌ای هستند، که خوی جاهلیت را هم دربرداشته باشد. این کار، با اسلام سازگار نیست و حرمت و قداست اسلام را خدشه‌دار می‌کند. [أَلَا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ، وَتَلَمَّتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ، بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ] این افراد، مسلمان اسمی بوده و در ظاهر به پیامبر ایمان دارند؛ ایمانی که رشدی را به دنبال ندارد و موجب عزت بخشی نمی‌شود؛ گویی در قالب جاهلیت، اسلام با اسم و رسمی تازه شکل گرفته است؛ چنان‌که امروزه به شکل چشمگیری مشاهده می‌شود. بدین سان از اینکه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بازگشت به جاهلیت را در آن عصر گوشزد کرده و خطر شکل‌گیری جاهلیتی نورا در زمان ایراد خطبه بیان نموده‌اند بار دیگر می‌توان جهان شمول بودن کلام نورانی ایشان را دریافت.

با کنار هم گذاشتن آثار زیان‌بار جهل، براساس آموزه‌های علوی و آیات قرآن، ویژگی‌های جهالت مدرن در عصر حاضر بسیار ملموس می‌شود؛ زیرا روزانه شاهد بسیاری از این آثار مهلک هستیم و این نشانه‌ای است از اینکه قرآن و کلام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان مبین کلام وحی، راهنمایی جامع، برای همگان و برای همهٔ زمان‌هاست و قرآن معجزهٔ جاوید پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و با گذشت زمان، نیاز به قرآن و عترت بیش از پیش احساس می‌شود.



شکل ۳- نمودار پیامدهای عملی جهل بر مبنای خطبه قاصعه

### ۳. راهکارهای مقابله با جهالت

امام علیه السلام تنها راه درمان جهالت را مسلح شدن به سلاح علم و آگاهی بیان می‌کنند. از جمله در اجتناب از پیروی از بزرگان [أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبَرَائِكُمْ... ]، به دوری از جهل و شناخت حقایق توصیه می‌نمایند؛ زیرا ملاک اسلام در درجه بندی افراد تنها تقواست [يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ]. عبارت «لتعارفوا» توجه نمودن به شناخت و ملاک قرار دادن برتری افراد بر حسب تقوا تفسیر شده است؛ زیرا همه انسان‌ها، یکسان آفریده شده‌اند و خداوند کسی را بر دیگری برتری نداده تا عاملی برای بروز کبر و خودبزرگ بینی باشد.

جهل، عامل به وجود آمدن مشکلات زیادی از جمله تکبر، تعصب و تفاخر و تفرقه است و چنانچه فرد از این اخلاق ناپسند بازنگردد و مدت طولانی دچار عصبیت، تکبر و... باشد؛ در تاریکی های جهل فرو می رود و دریچه های نور و فهم را به سوی خویش می بندد و در جهالت خود باقی می ماند. در این صورت، مانند کسی که نور را نمی شناسد و در برابر آن چشمان خود را می بندد، در برابر پذیرش حق و حقیقت، مقاومت می کند.

### نتیجه گیری

انسان موجودی است که حقیقت او را عقل و علم تشکیل می دهد و همین مسئله موجب شرافت انسان شده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده است. در آیات قرآن هنگامی که از شرافت و کرامت انسانی به عنوان خلیفه یاد می شود، به این نکته توجه داده شده که این سلطه انسان بر دیگر موجودات و لزوم اطاعت و تبعیت آن ها از انسان، در گروه علم اوست که خداوند به وی بخشیده است و حتی فرشتگان مقرب نیز از آن علوم بی بهره اند (بنگرید به: بقره / ۳۰ و ۳۱).

انسان با علم و بهره گیری از عقل، یعنی همان تعقل و خردورزی است که می تواند به این شرافت و کرامت فعلیت بخشد و خلافت خود را تثبیت نماید، وگرنه بهره نگرستن از عقل و علم به معنای باقی ماندن در نقص خواهد بود. چنین نقصی، بزرگ ترین فقری است که موجودی بدان دچار می شود و این فقر همان تجلی جهل است که در روایات نیز به آن پرداخته شده است. بدیهی است که یکی از راه های توجه دادن مخاطبان به اهمیت یک موضوع، تبیین آن موضوع و ترسیم حدود و مرزهای آن از طریق معرفی مصادیق متعدد می باشد.

از جمله متون ارزنده در این خصوص، خطبه قاصعه امام علی علیه السلام می باشد که طولانی ترین خطبه منقول از آن حضرت است. تحلیل عبارات و مضامین این خطبه با استفاده از روش تحقیق میان رشته ای و متن محور «تحلیل محتوا» نشان می دهد که حضرت به موضوعات متعددی از جمله جهل پرداخته اند. آن حضرت علیه السلام تلاش کرده اند

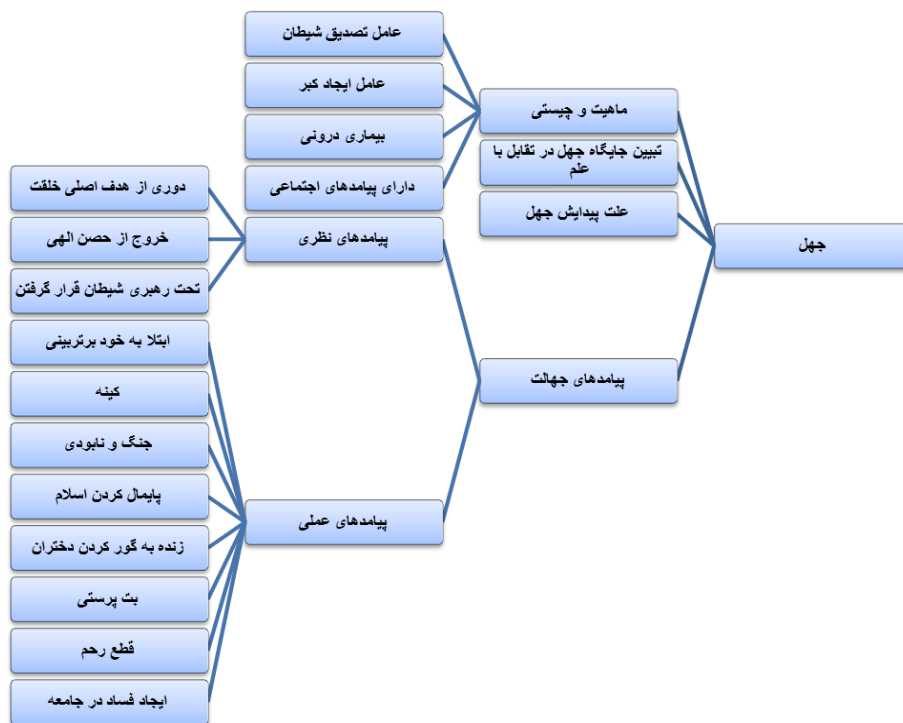
تا در چند مرحله، موضوع جهل را تبیین نمایند:

تبیین ماهیت و چیستی جهل؛ علل ایجاد جهل؛ پیامدهای زیان بار جهل؛ راهکار درمان جهالت.

ایشان در کلام خود، جهل را به عنوان یک بیماری فردی و اجتماعی معرفی می‌کنند و با ذکر آثار شوم جاهلیت و بیان ویژگی‌های آن، جاهلیت را منحصر به زمان پیش از اسلام ندانسته، همگان را در تمام زمان‌ها از آن برحذر می‌دارند. همچنین با بررسی آیات در قرآن کریم مشخص گردید که خداوند در کلام نورانی خود، جهل را عامل بسیاری از گناهان از جمله: مسخره کردن، هدایت‌گریزی، شرک، لواط، حضور نامناسب زنان در جامعه، قتل و آزار و روابط نامشروع معرفی کرده است که خود روشن‌کننده و ویژگی‌های جاهلیت در تمام زمان‌ها، به ویژه عصر حاضر است.

علاوه بر آن، با بیان راه درمان آن که مسلح شدن به سلاح علم و آگاهی است، به اهمیت بیش از پیش علم و کسب معرفت پرداخته‌اند تا همه افراد و همه جوامع با سلاح علم و آگاهی از موفقیت‌های روز افزون برخوردار شده، از ورطه هلاکت و نابودی در امان بمانند و به حق، خلیفه خداوند در زمین گردند.

در نهایت با توجه به یافته‌های تحقیق از رهاورد تحلیل محتوای خطبه قاصعه و به ویژه تحلیل کیفی مقوله «جهل» در این خطبه می‌توان الگوی جامعی از مؤلفه جهل را بر اساس این خطبه از منظر امام علی علیه السلام ترسیم نمود که ساختار هندسی آن بدین شرح است:



شکل ۴- تبیین مؤلفه جهل بر اساس خطبه قاصعه امیر المؤمنین علی علیه السلام

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد تقی جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۳. آسیابان سرنجی، مریم، پایان نامه گوی حلم - جهل در آموزه های نهج البلاغه و نقد الگوی معناشناسی ایزوتسو با آن، مرکز پیام نور کاشان، اصفهان، ۱۳۹۶ ش.
۴. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعه، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۵. ابراهیم زاده، رحمت، پایان نامه بررسی زبان شناختی خطبه قاصعه نهج البلاغه، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر حسین یوسفی، مازندران، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۹ ش.

۶. ابن ابی الحدید، عز الدین عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳ش.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۹. امین ناجی، محمد هادی، پایان نامه بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه سیاسی اجتماعی کوفه، استاد راهنما: محمد علی مهدوی راد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ش.
۱۰. اولادقباد، بهاره، پایان نامه تحلیل محتوای نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر، استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده، تهران، دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۶ش.
۱۱. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۲. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ش / ۱۹۹۶م.
۱۳. بحرانی، کمال الدین بن میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه حبیب روحانی و همکاران، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۵ش.
۱۴. جانی پور، محمد، پایان نامه اخلاق در جنگ (تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی و معاویه)، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ش.
۱۵. جانی پور، محمد و رضا شکرانی، «رهاوردهای استفاده از روش «تحلیل محتوا» در فهم احادیث»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۶، شماره ۲، ۱۳۹۲ش.
۱۶. حسینی زاده، زینب، پایان نامه تحلیل محتوای خطبه غدیر، استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده، تهران، دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۵ش.
۱۷. دین پرور، سید محسن، فصلنامه نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، قم، ۱۳۸۲ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۹. سلیمی، اکرم، پایان نامه تحلیل محتوای دعای مکارم الاخلاق استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده، تهران، دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۶ش.
۲۰. شاه بیدکی، مهسا، پایان نامه بررسی و تحلیل واژگان مشکل نهج البلاغه، استاد راهنما: عطیه اربابی، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۵ش.
۲۱. ضیائی بلخایی، حسین، پایان نامه علم و جهل در نهج البلاغه، استاد راهنما: عزیزالله فیاض صابری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ش.
۲۲. عترت دوست، محمد، «روش شناسی فهم حدیث در فرایند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی، سال ۱۱، شماره ۲۱،

- ص ۲۹۱-۳۲۰.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، دارالهجره، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۲۵. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح سید عبداللطیف کوه کمری، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۴ش.
۲۶. کاشفی، صدیقه، *پایان نامه تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام*، استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده، تهران، دانشگاه الزهراء علیه السلام، ۱۳۹۸ش.
۲۷. کریپندورف، کلوس، *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، نشرنی، تهران، ۱۳۸۷ش.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسوه، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ش.
۲۹. کیمیلی تخته جان، غلامحسین، *پایان نامه شرح خطبه قاصعه امام علی علیه السلام*، استاد راهنما: محمد هادی معرفت، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲ش.
۳۰. مبینی، لیلا سادات، *پایان نامه معناشناسی واژه جهل در قرآن و مصادیق آن در نهج البلاغه*، استاد راهنما: زهرا کاشانیها، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۸ش.
۳۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۳۳. موسویان، طاهره، *پایان نامه اعراب و بلاغت خطبه قاصعه*، استاد راهنما: محمد ابراهیم خلیفه شوشتری، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ش.
۳۴. نراقی، ملا احمد، *معراج السعاده*، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۱ش.
۳۵. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح سید ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ش.